

## لغزش کتاب معرفة الحدیث در باب روایات فضل بن شاذان از امام رضا(ع)

### مهدی بیات مختاری

(دکترای علوم قرآنی و حدیث، استادیار دانشکده الهیات دانشگاه سیستان)

m.mokhtari38@gmail.com

**چکیده:** در تألیفات شیخ صدوق (م ۳۸۱ ق) به ویژه من لایحضره الفقیه، علل الشرایع و عیون أخبار الرضا(ع) به نقل‌های متعدد «فضل بن شاذان نیشابوری» (م ۲۶۰ ق) از امام رضا (ع) برمی‌خوریم. در سده‌های گذشته، همه پژوهش‌گران علوم اسلامی به ویژه فقیهان، با اقبال گسترده و دل‌مشغولی وافر، به آن اخبار استدلال و در بسیاری مسائل فقهی دستمایه خویش قرار داده‌اند. حدود ۳۵۰ موضع از موسوعه وسائل الشیعه که از منابع پایه‌ای استنباط است، نقل «ابن شاذان» از آن حضرت گزارش شده است. حدیث پژوه معاصر «محمد باقر بهبودی» با استناد به رجال کشی و طوسی، «فضل» را متولد پس از شهادت آن حضرت می‌داند و برای همین آن روایات را فاقد اعتبار سندی خواند. به نظر وی مسئولیت استناد نقل «فضل» از امام رضا (ع) بر عهده «علی بن محمد بن قتیبه» است که فردی «کاذب»، «مزور» و «ملفق» بود.

نویسنده این جستار با کند و کاو در آن دو کتاب رجالی و لحاظ کردن پاره‌ای قرآن تاریخی و بررسی برخی از اساتید و شاگردان «ابن شاذان» به نتیجه‌ای متقابل رسید و او را متولد حدود سال ۱۸۰ هجری و پیشتر از آن می‌داند که در نتیجه می‌توانست از آن حضرت روایت کند.

**کلید واژه‌ها:** امام رضا(ع)، فضل بن شاذان، بهبودی، معرفة الحدیث.

## مقدمه

استاد محمدباقر بهبودی حدیث‌شناس معاصر، در مباحث: ابوالحسن، علی بن محمد بن قتیبه‌النیشابوری، ابوجعفر، محمد بن سنان الزاهری، مسائل فضل بن شاذان فی علل الشرایع و الاحکام و رساله الامام ابی الحسن الرضا(ع) الی المامون، بر نتایج زیر تأکید می‌کند:

- فضل بن شاذان نیشابوری (م ۲۶۰) در اساس، سالیانی پس از شهادت امام رضا(ع) متولد شد و جزو صحابیانشان نبود<sup>۱</sup> بنابراین احادیث علل الشرایع و الاحکام و ما کتبه الرضا(ع) للمامون فی محض الاسلام<sup>۲</sup> و اخبار دیگری که «فضل» از امام رضا(ع) نقل می‌کند صحیح نیست، (صدوق ۱۴۰۴: ج دو، ۱۲۹-۱۰۶؛ همو ۱۳۸۵: ج یک، ۲۵۱).

- مسئولیت استاد نقل «فضل» از امام رضا(ع)، بر عهده «علی بن محمد بن قتیبه» است که فردی «کاذب»، «مزور» و «ملفق» بود. «فضل» پیش از شناخت «محمد بن سنان زاهری» احادیث وی را برای شاگردانش نقل می‌کرد، و پس از شناخت ضعف وی، با اظهار رد احادیث محمد بن سنان، روایات وی را فاقد صحت خواند، اما «ابن قتیبه» به خاطر ضعف شخصیت، اقدام به تغییر مطالب و روایات کرد و آنها را با هم امیخت. علل الشرایع که به گفته ابن قتیبه، «فضل» از امام رضا(ع) نقل کرده، همان مسائلی است که به وسیله «محمد بن سنان زاهری» از امام رضا(ع) نقل شده که آن هم علی‌الاساس به خاطر «وجاده» بودن فاقد اعتبار است.

- طوسی، «فضل» را تنها در عداد صحابیانش امام هادی و عسکری (ع) می‌داند. وی برهه پایانی عمر اساتید خویش، صفوان بن یحیی، ابن ابی عمیر و ابن فضال را درک کرد، زیرا نوشته شده به سن بلوغ نرسیده بود که در «قطیعة الربیع» بغداد نزد یکی از مقربان به نام «اسماعیل بن عباد» قرآن آموخت در حالی که ابن فضال آن هنگام کهنسالی خویش را سپری می‌کرد (بهبودی ۱۳۶۲: ۱۷۸، ۲۰۵، ۲۷۰ و ۲۷۲).

نویسنده این سطور، جستار حاضر را فاقد گنجایش برای پاسخ گسترده به رویکرد بهبودی در ارتباط با «محمد بن سنان زاهری» و «علی بن محمد بن قتیبه» می‌داند، اما اساس و شاکله سخن وی، که بسا و به تولد «فضل» پس از شهادت امام رضا(ع)

۱. فلا بد و آن یكون ولادة «الفضل» بعد وفاة الرضا(ع) بقليل و لا یصح له رواية عن الرضا(ع).

می‌باشد، علی‌الاصول بر پژوهش همه جانبه، استوار نمی‌داند و دستاوردی شتاب زده و از قرائت‌های ویژه و دیریاب تلقی می‌کند. با توجه به اهمیت موضوع و قابلیت آن برای توسعه و تدقیق بیشتر، با کندوکاوهای روایی، رجالی و تاریخی و تکیه بر پاره‌ای قرائن، به دیدگاه متفاوت رسیده و «فضل» را در عداد صحابی‌ان امام رضا(ع) می‌داند و برای این هدف، ملتمز به دسته بندی و روشمند کردن ارائه مطالب است. بنابراین به نُه موضوع با صیغهٔ ایجاز می‌پردازد:

الف) ناهمگونی نقل‌های «فضل» از امام رضا(ع) و چرایی آن.

ب) اساتید «فضل» تعیین کننده طبقه وی.

ج) طبقهٔ برخی از راویان و شاگردان «ابن شاذان».

د) واکاوی پاره‌ای از قرائن تاریخی و رجالی.

ه) طرق مشایخ عظام: صدوق، مفید، طوسی و نجاشی به «العلل».

و) استواری و صحت سند حدیث «العلل» در منظر فقیهان.

ز) وثاقت «ابن قتیبه» راوی «العلل» در منظر رجالیان.

ح) دستاویز قرار گرفتن رجال طوسی.

ی) کندوکاو در گزارش رجال کُشی و نجاشی.

### ناهمگونی نقل‌های «فضل» از امام رضا(ع) و چرایی آن

راویان واقع در اسناد روایات، سه گروه هستند: پاره‌ای همیشه به نقل بی واسطه از معصوم (ع) می‌پردازند، عده‌ای برعکس، نقلشان انحصار در ویژگی وساطت دارد و گروهی هم روایات بی واسطه و با واسطه از پیامبر(ص) و امام(ع) دارند (مامقانی ۱۳۵۰: ج یک، ۱۹۴).

اخبار «ابن شاذان» از امام رضا(ع) متفاوت، و در عین حال ویژگی طبیعی و هم‌سنگ هم‌تایان خویش از سایر روات را دارد. روایات وی از آن حضرت دو دسته هستند:

الف). روایات بی واسطه: نقل مستقیم «فضل» از امام رضا(ع) انحصاری به احادیث گسترده «العلل» یا «نامهٔ آن حضرت به مامون» که هر یک مانند کتابی هستند و بی‌استثنا همهٔ فقه‌شناسان آن دو را مدرک استنباط‌های خود می‌دانند، ندارد. وی احادیث بسیار

دیگری را نیز در زمینه توحید، انبیاء، امامان، احکام و ... از آن حضرت گزارش می‌کند. (صدوق ۱۴۰۴: ج یک، ۱۸۷، ج دو، ۱۹، ۲۵، ۲۶، ۱۰۶؛ همو ۱۴۰۳: ۵۸؛ همو ۱۳۹۸: ۱۳۷، ۲۶۹؛ همو ۱۴۱۳: ج چهار، ۴۱۹ و ۵۹۱۵)

ب). نقل با واسطه از امام رضا(ع): در برخی از موارد ابن شاذان با واسطه استادش «صفوان بن یحیی» به نقل از امام رضا(ع) می‌پردازد (کلینی ۱۳۶۳: ج یک، ۳۶؛ ج پنج، ۳۲۷) و گاهی حتی با دو واسطه از امام(ع) نقل خیر می‌کند (همان: ج سه، ۳۲؛ ج چهار، ۱۴۳).

این که وی اخبار بی واسطه و با واسطه از امام(ع) داشت، به تمام امری طبیعی است و نمونه‌های فراوانی در بین روایان حدیث و لا به لای متون کهن روایی، هست. این ویژگی برای بسیاری از محدثان تقریباً واقعیت دارد. ابن ابی عمیر از مشایخ «فضل» با این که از صحابیان امام صادق(ع) بود (ابن داود ۱۳۹۲: ش ۱۲۷۲) برخی اوقات با دو یا سه واسطه از آن حضرت نقل می‌کند. «حماد بن عیسی» از اصحاب امام صادق(ع) که از اساتید «ابن شاذان» است، همین ویژگی را داشت (عرفانیان ۱۳۷۷: ۷۶). بی‌تردید صحابیانی ائمه(ع) دائم الحضور نزد آنان نبودند بنابراین اتفاق می‌افتاد که امام(ع) در جلسه‌ای القاء کلام تشریحی داشت و در آن برهه، راوی حاضر نبود، پس آن روایات را وی به ناچار، با واسطه نقل می‌کرد.

علی بن ابراهیم قمی از «هارون بن مسلم» و کلینی از «عبدالله بن جعفر حمیری» و «سعد بن عبدالله اشعری» گاه با واسطه و گاه مستقیم نقل می‌کنند (کلینی ۱۳۶۳: ج یک، ۱۰۷، ۳۲۶، ۳۴۱، ۴۵۷، ۴۶۸). در تعلیل و تبیین ناهمسازی نقل روایت هم به چند جهت می‌توان اشاره کرد:

الف) امکان ملاقات بین راوی و مروی عنه، همیشه وجود نداشت، گاهی فرصتی کوتاه همانند حج اتفاق می‌افتاد و برخی احادیث را از وی دریافت و در نتیجه مانده اخبار او را با واسطه روایت می‌کردند.

ب) راوی گاهی از استادی که سپس دستخوش حادثه مرگ می‌شود، تلقی حدیث می‌کند آن‌گاه برخی را که در حافظه‌اش باقی مانده، گزارش مستقیم و پاره ای را که فراموش کرده، با واسطه گزارش می‌کند.

ج) گاهی شاگرد تعدادی از احادیث را تلقی و به عللی استاد را پس از آن نمی بیند، به ناچار اخبار باقی مانده را به کمک یکی از روایان با سابقه که قبلاً با استاد، تماس بیشتری داشت، دریافت می کند. ابن قولویه مولف *کامل الزیارات* تنها چهار حدیث را بی واسطه از «سعد بن عبدالله اشعری» دریافت کرد و بقیه را با واسطه پدر یا برادرش به نقل از او پرداخت. (نجاشی ۱۴۲۷: ش ۳۱۸).

د) گاهی راوی در برهه‌ای از زمان معین که استاد کتاب مشخصی را تدریس و القاء می کند، حضور ندارد. وی روایات و کتاب‌های پیشین را که بی‌واسطه از استاد تلقی کرده، به‌گونه‌ی مباشر روایت می کند و به ناچار آن کتاب معین را با واسطه نقل می کند.

### اساتید «فضل» تعیین کننده طبقه وی

اگر اساتید «فضل» در سال‌های نزدیک به شهادت امام رضا(ع) (م ۲۰۳ه) در گذشته باشند، بی‌تردید، روایت وی از امام رضا(ع) موجه، منطقی و صحیح هستند. تامل در دو نکته ما را به دریافت حقیقت معاضدت می کنند: بسیاری از منابع رجالی، برهه تحمل حدیث را بیست سالگی و حداقل بلوغ راوی در نظر می گیرند و از سویی دریافت حدیث از استاد ویژگی امتدادی و گستره زمانی دارد. به عبارتی شاید تلقی روایت در بخش اول، دوم یا پایان حیات علمی هر کدام از آن دو، اتفاق افتاده باشد.

الف) هشام بن حکم: این که «هشام بن حکم» در عداد اساتید «ابن شاذان» است، به خاطر روایتی است که طوسی در *تهذیب الأحکام* نقل کرد (طوسی ۱۳۶۴: ج نه، ۲۲۶). آن حدیث در چاپ‌های قدیم و جدید کتاب، مضبوط است. «فضل» وی را متوفی سال ۱۷۹ نگاشت (کشی، ۱۴۰۴: ش ۴۷۵) و به نظر نجاشی او سال ۱۹۹ در بغداد فوت کرد. (نجاشی ۱۴۲۷: ش ۱۱۶۴)، شوشتری علامه رجالی، تاریخ‌گذاری «فضل» را از جهت اعرافیت وی و این که «هشام بن حکم» پیش از هارون (م ۱۹۳) از ترس دستگیری وی درگذشت، اصح از تاریخ‌نگاری نجاشی، قلمداد کرد (۱۴۱۷: ج ده، ۵۵۶)، حتی در صورت استواری نقل نجاشی، خللی در مقصود ما، ایجاد نمی‌شود.

ب) اسماعیل بن عیاش: شیخ طوسی حداقل دو بار با واسطه فضل بن شاذان از «ابو عتبه اسماعیل بن عیاش بن سلیم عنسی حمصی» که از محدثان نام‌بردار مکتب خلافت در شام بود، نقل خبر می‌کند (طوسی ۱۴۱۱: ۴۵۴ و ۴۷۰). شاید «فضل» در

شامات از وی تلقی حدیث کرد یا طی دو مسافرتی که مروی عنه از شام به کوفه و بغداد داشت، آن امر تحقق یافت. وی به سال ۱۰۸ هجری متولد و در سال ۱۸۱ که بیش از ۷۰ سال داشت مرد (خطیب بغدادی ۱۴۱۷:ج شش، ۲۲۱؛ ابن حجر عسقلانی ۱۴۱۵:ج یک، ۹۸؛ همو ۱۴۱۲:ج یک، ۲۸۰؛ ابن ابی حاتم رازی ۱۳۷۱:ج دو، ۱۹۱؛ ذهبی، ۱۴۱۳:ج هشت، ۳۱۲).

ج) داوود بن کثیر رقی: طبق گزارش منابع و مآخذ حدیثی و رجالی «داوود بن کثیر رقی» از مشایخ حدیثی «فضل» است (مجلسی ۱۴۰۳:ج ۲۴، ۳۰۳؛ استرآبادی: ۱۳۰۶:ج یک، ۱۹؛ حسینی استرآبادی ۱۴۰۹: ۲۱). به گفته نجاشی وی مسال ۲۰۳ با فاصله اندکی پس از شهادت امام رضا(ع) در گذشت (نجاشی، ۱۴۲۷: ش ۴۱۰).

د) یونس بن عبدالرحمن: ابن شاذان حد اقل دو حدیث از «یونس بن عبدالرحمن» نقل می کند (کلینی ۱۳۶۳:ج سه، ۳۳۹؛ ج هفت، ۱۰) و از سویی وفات وی مسال ۲۰۸ بود. (حلی ۱۴۲۲: ش ۱۱۰۳).

ه) حماد بن عیسی: وی از اصحاب اجماع، واعظام مفاخر شیعه و جزو صحبایان امام صادق، کاظم و رضا(ع) بود. بررسی و محاسبه اماری ما در کتب حدیثی نشان می دهد نقل «فضل» از وی حداقل در الکافی ۹۰ و در تهذیب الأحکام ۳۶ و در الأستبصار ۱۴ حدیث است. و از سویی وی سال ۲۰۹ فوت کرد. (نجاشی ۱۴۲۷: ش ۳۷۰؛ کشی ۱۴۰۴: ش ۵۷۲؛ مفید [بی تا]: ۲۰۵). طبق گزارش کلینی «فضل» حدود ده مورد به گزارش یک خبر از حماد بن عیسی (م ۲۰۹) و استاد دیگرش ابن ابی عمیر (م ۲۱۷) اقدام کرد. (کلینی، ۱۳۶۳:ج سه، ۸۸، ۱۰۱، ۹۱، ۱۰۵، و ...).

و) صفوان بن یحیی: کشی آن هنگام که نام هجده نفر از اساتید «ابن شاذان» را می آورد، به «صفوان بن یحیی» نیز اشاره می کند. (کشی، ۱۴۰۴: ش ۱۰۲۹). طبق پژوهش آماری، نقل «فضل» از وی حداقل در الکافی ۲۰۸، تهذیب الأحکام ۸۴ و الأستبصار ۲۸ روایت است. در کتب حدیثی دیگر نیز، نقل «فضل» از وی وجود دارد (طوسی ۱۴۱۱: ۴۱). همچنین در نگاهته های خود ابن شاذان هم گزارش از او زیاد است (فضل بن شاذان ۱۴۰۹: حدیث چهار، هشت، هجده). این شخصیت والامقام که از اصحاب اجماع، مشایخ ثقات و اعظام صحبایان ائمه(ع) است، سال ۲۱۰ برای دیدار امام جواد (ع) به مدینه رفت و در همان جا وفات و دفن شد. (نجاشی ۱۴۲۷: ش

۵۲۴). تلقی یک خبر از سوی «فضل» از دو استادش صفوان بن یحیی (م ۲۱۰ ق) و ابن ابی عمیر (م ۲۱۷ ق) بیش از ۶۰ حدیث است.

ز) نصر بن مزاحم منقری کوفی: وی در عداد اساتید ارجمند «فضل» جای دارد و در منابع روایی حداقل سه روایت از وی نقل است (طوسی ۱۴۱۱: ۱۸۵، ۴۴۱، ۴۴۵؛ مجلسی ۱۴۰۳: ج ۵۱، ۷۵؛ ج ۲۰۹، ۵۲ و ۲۱۲-). نصر بن مزاحم در سال ۲۱۲ فوت کرد (ذهبی، ۱۳۸۳: ج چهار، ۲۵۳).

ح) محمد بن ابی عمیر: وی از اصحاب اجماع و مشایخ ثقات است و تاثیر فوق العاده‌ای در شخصیت مستعد ابن شاذان و توسعه همه جانبه وی داشت. وی در ابتدا همراه پدرش و پس از آن به تنهایی به حضور وی رفت و بیشترین دوران تحمل و نقل حدیث را از او دارد. در الکافی حداقل ۲۶۸، تهذیب الاحکام ۸۷ و در الاستبصار ۲۴ روایت «فضل» از «ابن ابی عمیر» وجود دارد. بر این امار باید ده‌ها خبر که در منابع دیگر از ابن ابی عمیر نقل کرد، اضافه شود (فضل بن شاذان ۱۴۰۹: حدیث دو، شش، شانزده، هفده؛ طوسی ۱۴۱۱: ۱۶۱، ۱۶۳، ۴۵۵ و ۴۴۹). وی سال ۲۱۷ در گذشت (نجاشی ۱۴۲۷: ش ۸۸۷). ابن شاذان گرچه حدود یک صد استاد از خاصه و عامه را درک کرد، اما بیش از ۹۵ درصد از اخبار را از سه استادش حماد بن عیسی (م ۲۰۹ ق)، صفوان بن یحیی (م ۲۱۰ ق) و ابن ابی عمیر (م ۲۱۷) نقل کرد. فضل متولد پس از سال ۲۰۳ چگونه از مشایخ متوفی در آن سالیان، تلقی حدیث می‌کرد؟

### طبقه برخی شاگردان و راویان ابن شاذان

اگر در منابعی بینیم شاگردان «فضل» از صحابیان امام رضا، جواد، هادی و عسکری (ع) هستند، بی تردید، نقل و روایت وی از امام رضا (ع)، صحیح و معتبر می‌شوند.

الف) ابراهیم بن هاشم: طوسی، در فهرست و المشیخه چندین طریق به آثار ابن شاذان برای خویش بر شمرد، که در برخی از آنها «ابراهیم بن هاشم» از وی به نقل پرداخت. همچنین نقل وی از فضل در کتاب تهذیب الأحکام رُخ داد. (طوسی ۱۳۶۴: ج هفت، صفحه شش، ح نوزده). اگر سخن طوسی بی اعتبار و خطا است، حداقل باید پذیرفت که فضل در طبقه وی است. ابراهیم بن هاشم از صحابیان و الامام رضا (ع) بود و حتی با آن حضرت ملاقات داشت (طوسی ۱۴۲۰: ش شش؛ همو ۱۴۱۵: ش ۵۲۲۴).

ب) محمدبن عیسی: علامه حلی به نقل از کشی وی را از تلامیذ «فضل» می‌داند (حلی ۱۴۲۲: ش ۷۰۷) و از سوی «محمدبن عیسی» در عداد صحابیان امام رضا(ع) است. (طوسی ۱۴۱۵: ش ۵۴۶۴).

ج) ابو عبدالله شاذانی: وی که نواده برادر «فضل» است بسیار از وی تلقی روایت کرد و به نقل اخبار وی اقبال شایان نشان داد (کشی، ۱۴۰۴: ش ۳۰۴، ۳۵۷، ۴۰۸، ۶۵۶، ۷۷۴، ۹۸۷، ۱۰۵۶، ۱۰۵۸، ۱۱۰۵ و ۱۱۰۶) تا مل در دو نکته در وصول به هدف ما را کمک می‌کنند. به نظر می‌رسد پس از شاذان، بزرگ خاندان وی «فضل» بود و همچنین «شاذانی» از صحابه امام عسکری (ع) است (طوسی ۱۴۱۵: ش ۵۸۹۵، کشی، ۱۴۰۴: ش ۱۰۲۸).

د) عبدالله بن حمدویه بیهقی: وی ابن شاذان را ملاقات کرد، و از حوزه حدیث و کلام وی بهره برد. و به نقل پرداخت (کشی، ۱۴۰۴: ش ۸۵۰، ۹۷۹). طوسی وی را در عداد صحابیان امام عسکری(ع) می‌داند (۱۴۱۵: ش ۵۸۶۰) و در نامه‌ای که امام(ع) به وی نوشت، نکاتی را در راستای تثبیت موقعیت «ابراهیم بن عبده نیشابوری» و کیل خویش در منطقه نیشابور و روشن ساختن شعاع حوزه فعالیت او، گوشزد و یاد کرد. (کشی، ۱۴۰۴: ش ۱۰۸۹؛ طوسی ۱۴۱۵: ش ۵۸۲۳).

### واکلاوی پاره‌ای از قرائن تاریخی و رجالی

الف) شاذان از راویان امام کاظم (ع): با توجه به این که «شاذان» پدر «فضل» از صحابیان و راویان امام کاظم(ع) (م ۱۸۳) بود (کلینی ۱۳۶۳: ج هشت، ح ۱۳۸؛ خوبی، ۱۴۱۳: ج ده: نه) شاگرد و فرزند برومندش، حداکثر یک طبقه متاخر از وی است و می‌تواند جزو صحابیان امام رضا (ع) باشد.

ب) احمد بن محمد بن عیسی معاصر «فضل»: احمد بن محمد بن عیسی اشعری از عالمان بزرگی است که فراوان از «شاذان» پدر «فضل» نقل می‌کرد (کلینی، ۱۳۶۳: ج دو، ۸۳؛ ج سه، ۲۴، ۲۹، ۴۵؛ ج چهار، ۲۴۱). روایات «شاذان» در کتب اربعه حدیثی به جز یک مورد که «محمد بن جمهور» نقل کرد (همان: ج هشت، ح ۱۳۸) همگی با واسطه «احمد بن محمد بن عیسی قمی» گزارش شدند. وی از مجتهدان والامقام و محدثان ثقه مکتب امامیه است که ملاقات‌های مکرر با امام رضا (ع) داشت. (نجاشی ۱۴۲۷: ش

۱۹۸؛ طوسی، ۱۴۱۵: ش ۵۱۹۷؛ برقی ۱۳۸۳: ۵۹، ابن داوود ۱۳۹۲: ش ۱۳۱؛ حلی ۱۴۲۲: ش ۶۷. از آنجا که «فضل» با او در یک طبقه و جزو شاگردان «شاذان بن خلیل» است و همچنین، احمد بن محمد بن عیسی اشعری، سالیانی پس از «ابن شاذان» در گذشت بنابراین روایت «فضل» از امام رضا (ع) امری طبیعی و منطقی است. (ج) ارتباط با وکیل امام رضا (ع): یکی از مشایخ حدیثی «ابن شاذان» که از وی به تحمل حدیث پرداخت، «عبدالعزیز بن مهتدی قمی» از وکیلان ویژه امام رضا (ع) است. (کشی ۱۴۰۴: ش ۹۱۰). «فضل» وی را بارها ملاقات کرد و او را مردی والامقام، متدین والگویی قمیان خواند (همان: ش ۹۱۰، ۹۷۴ و ۹۷۹). از آنجا که با مرگ موکل، عنوان وکالت بی معناست، به احتمال قوی ملاقات در دوران حیات امام رضا (ع) بود.

(د) دانشوری نامبردار در امارت عبدالله طاهر: عبدالله بن طاهر نخست از جانب مامون حاکم شهر «رقه» در شمال بغداد بود که پس از آن در سال ۲۱۳ به امیری خراسان منصوب شد. وی عملاً سال ۲۱۵ کار خویش را شروع و به دلایلی چند «نیشابور» را پایتخت انتخاب کرد، در آن اقامت گزید و مدت هفده سال [۲۳۰ هـ - ۲۱۳] حاکم رسمی خراسان بود (اکبری ۱۳۸۴: ۱۸۵). به گزارش کشی وی، «ابن شاذان» را پس از آن که از افکار و محتوای تالیفاتش اطلاع یافت، از نیشابور تبعید کرد (کشی ۱۴۰۴: ش ۱۰۲۴). احتمال می‌رود در همان آغاز ورودش اتفاق افتاده باشد. احتمالاً زمانی که «فضل» محاکمه و تبعید شد، چهره‌ای شناخته شده، بلند آوازه، و پیشوا بود. چگونه می‌توان تصویر کرد «فضل» متولد سالیانی پس از شهادت امام رضا (ع) یک دهه و حداکثر دوده پس از ایشان، مبداء حرکت علمی و از عنوان مرجعیت برخوردار شود؟

(ه) نقل ۵۰ ساله از اصحاب اجماع: کشی از «سهل بن بحر فارسی» نقل می‌کند که در آخرین دیدارم با «ابن شاذان» گفت: من جانشین جمعی از بزرگانم که درگذشتند. صفوان بن یحیی (م ۲۱۰هـ) و ابن ابی عمیر (م ۱۱۷) و دیگر بزرگان امامیه [حماد بن عیسی (م ۲۰۹ ق)، بزنی (م ۲۲۱ ق)، ابن فضال (م ۲۲۱، ۲۲۴ ق) و ابن محبوب (م ۲۲۴ ق)] را درک و مدت ۵۰ سال از آنان نقل حدیث کردم (همان: ش ۱۰۲۵). گرچه «فضل» گوینده این سخن است اما با توجه به وثاقت، استواری و حق‌مداری که از وی سراغ داریم، به هیچ وجه دست‌خوش خود ستایی نشد و گزارش‌گر واقعیت تاریخ بود.

تلقی حدیث و نقل از آن مشایخ ثقات واصحاب اجماع با آن مدت زمان، نشان می‌دهد وی متولد حدود سال ۱۸۰ و جزو معمرین بود.

(و کهن سالی در لحظه ارتحال: کشی از «ابو علی بیهقی» شاگرد «فضل» که بر جنازه وی نماز گذارد، نقل کرد که او سال‌های پایانی عمر خویش را در «بیهق» از توابع نیشابور به سر برد تا زمانی که خبر تهاجم خوارج به وی رسید، او که می‌دانست بی‌تردید از اهداف اولیه آنان بی‌تردید دست یافتن به وی است، بیهق را رها و به طرف نیشابور حرکت کرد. این سفر او را دست‌خوش رنج و بیماری جان‌کاهی کرد که در نتیجه جاننش را به خاطر آن از دست داد (همان: ش ۱۰۲۴ و ۱۰۲۸). التزام به این‌که حرکت اضطراری در مسافتی نزدیک، برای انسان ۵۵ ساله و کمتر از آن، به خصوص برای انسان‌های مقاوم پیشین، سبب مرگ آنان شود، امری طبیعی و منطقی نیست. حس درونی و ارزیابی این گزارش تاریخی قرینه‌ای گویا است که «ابن شاذان» در این برهه، پیرمردی کهن سال است که رنج سفر، عامل مرگ شهادت گونه‌ی وی شد.

(ز صحابی امام عسکری (ع) شاگرد باواسطه «فضل»: احمد بن ادریس قمی در طبقه هشتم محدثان و از صحابیان امام عسکری (ع) است (طوسی ۱۴۱۵: ش ۵۸۳۱). از سویی وی از راویان و تلامیذ «علی بن محمد بن قتیبه» است. (مجلسی ۱۴۰۳: ج ۴۹، ۲۶؛ ج ۵۱، ۵۳). ابن قتیبه در طبقه پیش از احمد بن ادریس و یا حد اقل هم طبقه او است و با توجه به این‌که ابن قتیبه از شاگردان «فضل» بود و در طبقه پس از وی است، دیدگاه این‌که «ابن شاذان» جزو روات و صحابه امام رضا (ع) باشد، تقویت می‌شود.

(ح صحابی امام هادی و عسکری (ع) گزارشگر تالیفات «فضل»: نجاشی برخی از عناوین ۱۸۰ کتاب «ابن شاذان» را از نگاشته «یحیی بن زکریا گنجی» نقل کرد (نجاشی ۱۴۲۷: ش ۸۴۰). وی از صحابیان امام هادی و عسکری (ع) بود که در زمان حیات ایشان یا پس از آن، به تالیف کتابی پرداخت که اسامی مصنفین و کتب علمای شیعه را در آن ضبط کرد. (طوسی ۱۴۱۵: ش ۶۳۹۰؛ اقا بزرگ. ۱۳۳۷: ۴۹۶؛ همو ۱۴۰۸: ج چهار، ۲۱۱، ۴۸۱). «فضل» باید در زمان آن دو معصوم و در قلمرو جهان اسلام و مراکز شیعی مانند بغداد، کوفه، مدینه و خراسان چهره‌ای بلند آوازه و کثیرالتالیف باشد که صحابی ایشان اسامی تصنیفات وی را آوردند.

ط) نقل با سه واسطه از امام سجاده(ع): در منابع روایی به احادیثی برمی‌خوریم که «فضل» واقع در طبقه هفتم محدثان از امام سجاده(ع) که متوفای سال ۹۴ هست، تنها با سه واسطه به نقل پرداخت (کلینی ۱۳۶۳: ج یک، ۱۰۰؛ ج دو، ۱۰۷؛ و ج سه، ۴۰۹، و ج شش، ۱۱۸).

ی) نقل با دو واسطه از امام باقر و صادق(ع): در برخی از موارد «ابن شاذان» تنها با دو واسطه از امام باقر(ع) که متوفی سال ۱۱۴ است، به روایت اخبار پرداخت (همان: ج یک، ۴۱۳ و ج سه، ۳۳۰). طبق جستاری نه چندان کامل که نویسنده این سطور در کتب اربعه حدیثی شیعه انجام داده، «فضل» حدود ۸۶۰ حدیث گزارش کرد، که بیش از ۹۵ درصد آنها با دو واسطه از امام صادق(ع) نقل شده اند، یعنی وی با واسطه یکی از دو استادش ابن ابی عمیر یا صفوان بن یحیی از معاویه بن عمار، هشام بن حکم، عبدالرحمن بن حجاج، هشام بن سالم، حفص بن بختری، جمیل بن دراج، رفاعه بن موسی، ربیع بن عبدالله، منصور بن حازم، عیص بن قاسم و ... که از صحابیانی نام‌بردار امام صادق(ع) بودند، نقل کرد. آیا ژرف‌کاوی و اندیشه کردن درنقل وی با سه واسطه از امام سجاده(ع) و دو واسطه از امام باقر و صادق(ع)، و تأمل در طبقه و امار احادیثش، نقل وی را از امام رضا(ع) امری طبیعی و پذیرفتنی جلوه گر نمی‌کند؟

**طرق مشایخ عظام: صدوق، مفید، طوسی و نجاشی به حدیث «العلل»**  
 شخصیت‌های بزرگ شیعه، مانند صدوق (م ۳۸۱ ق)، مفید (م ۴۱۳)، طوسی (م ۴۶۰ ق) و نجاشی (م ۴۵۰ ق) به حدیث «العلل» ابن شاذان، طریق و سند دارند. شخصیت‌های بسالا از تبیین‌کنندگان معیارهای احادیث صحیح از ضعیف هستند و ذخایر علمی و روایی تشیع و امداد تلاش‌های آن ستارگان بی‌بدیل است.

#### الف) طرق چهارگانه شیخ صدوق

صدوق حداقل از چهار سلسله سند در ارتباط با احادیث *علل الشرایع و الاحکام* و *ما کتبه الرضا(ع) للمأمون فی محض الاسلام* که به تصریح «فضل» آن دو را از امام رضا(ع) نقل کرد، دارد. وی در ارتباط با آن دو روایت که هر یک کتابی هستند، در کتاب‌های *علل الشرایع و عیون اخبار الرضاع* دو طریق: عبدالواحد بن محمد بن عبدوس ← علی بن محمد بن قتیبه ← فضل بن شاذان ← امام رضا(ع) و ابوجعفر

محمد بن نعیم بن شاذان ← ابو عبدالله محمد بن شاذان ← فضل بن شاذان ← امام رضا(ع) را برشمرد. (صدوق، ۱۴۰۴: ج دو، ۱۰۶، ۱۲۹؛ همو، ۱۳۸۵: ج یک، ۲۵۱). وی در المشیخه تنها به ذکر طریق اول بسنده کرد (۱۴۱۳: ج چهار، ۴۵۷). طوسی دو طریق: ابن ولید ← احمد بن ادريس ← علی بن محمد بن قتیبه و حمزه بن محمد علوی ← قنبر بن علی بن شاذان ← علی بن شاذان که متفاوت از دو طریق بالا است، برای شیخ صدوق به حدیث العلیل برشمرد (طوسی، ۱۴۲۰: ش ۵۶۴).

#### ب) طرق شیخ مفید و طوسی

شیخ طوسی پس از آن که ۳۳ عنوان از تصنیفات «فضل» از جمله العلیل، اثبات الرجعه و الدیاج که بنابه قولی همان الايضاح است، نام می برد، می نویسد: «اخبرنا بروایانه و کتبه، ابو عبدالله عن محمد بن علی بن الحسين عن محمد بن الحسن، عن احمد بن ادريس عن علی بن محمد بن قتیبه عن الفضل. ورواهما محمد بن علی بن الحسين عن حمزه بن محمد العلوی عن ابی نصر، قنبر بن علی بن شاذان عن ابيه عن الفضل»؛ به روایات و تالیفات «ابن شاذان» از جمله العلیل وی از دو طریق: ۱. مفید ← صدوق ← ابن ولید ← احمد بن ادريس ← علی بن محمد بن قتیبه. ۲. مفید ← صدوق ← حمزه بن محمد علوی ← قنبر بن علی بن شاذان ← علی بن شاذان، دست یافتم (شیخ طوسی ۱۴۲۰: ش ۵۶۴)، و چون شیخ مفید در سلسله سند طوسی هست، بنابراین وی هم به العلیل فضل و سایر روایات و کتب وی سند دارد.

#### ج) طریق نجاشی

نجاشی پس از آن که به ۴۸ عنوان از تصنیفات «فضل» از جمله العلیل وی اشاره می کند، می نویسد: «اخبرنا ابو العباس بن نوح قال: حدثنا احمد بن جعفر قال: حدثنا احمد بن ادريس بن احمد قال: حدثنا علی بن احمد [محمد] بن قتیبه النیشابوری عنه»؛ طریق به روایات و کتب «ابن شاذان» از جمله کتاب العلیل وی: ابو العباس بن نوح ← احمد بن جعفر بن سفیان ← احمد بن ادريس قمی ← علی بن احمد (محمد) بن قتیبه است (نجاشی ۱۴۲۷: ش ۸۴۰).

بررسی افراد واقع در اسناد و طرق شیخ صدوق، مفید، طوسی و نجاشی با رویکرد رجالی از ظرفیت این جستار بیرون است. اکثریت قریب به اتفاق افراد مذکور

در طرق فوق، ثقه، عادل و ممدوح هستند. بهره‌مندی یکی از آنها هم از اعتبار لازم که سند به العلل دارد، برای اثبات مقصود کافی است.

### استواری و صحت سند حدیث العلل در منظر فقیهان

فقه‌های عظیم‌الشان معاصر که پایبند به اعمال قواعد رجالی هستند، در ارتباط با حدیث العلل و نامه امام رضا(ع) به مامون که هر دو وحدت سندی هماهنگ دارند، تعبیرات توصیفی متفاوت و در عین حال بسیار والا ارائه می‌دهند و تعبیرات آنان از سند، جای تردید و شبهه‌ای را باقی نمی‌گذارد که سلسله سند، وثاقت و صحت دارند، که نتیجه طبیعی و مستقیم آن اثبات صحابی امام رضا(ع) بودن «ابن شاذان» است.

الف) برخی از فقهاء مانند: آل عصفور (۱۴۱۰: ج دو، ۱۴۳) محمد حسن نجفی (۱۳۶۵: ج هفده، ۳۲، ۳۳)، آقا رضا همدانی ([بی‌تا]: ج دو (ق دو) ۵۹۹)، سید احمد خوانساری (۱۴۰۵: ج یک، ۴۵۹)، سید روح الله خمینی (۱۳۶۸: ج یک، ۲۴۶، ۲۴۵)، سید محمد صادق روحانی (۱۴۱۲: ج شش، ۶۰، ج هشت، ۳۸۱، ۳۸۷)، تعبیر به «صحیحه» فضل بن شاذان کردند و خبر «صحیح» خبری است که سلسله سندش را رجال موثق امامی مذهب، به معصوم متصل کنند.

ب) در برخی از مواضع فقها و الامقام همانند: نجفی (۱۳۶۵: ج ده، ۲۸۵) و شیخ انصاری (۱۴۱۷: ج دو، ۱۱) و... می‌گویند که سند العلل و نامه امام به مامون «لا یقصر عن الصحیح»؛ در «حد صحیح» است.

ج) گاهی از آن جمعی از فقها مانند امام سید روح الله خمینی (۱۳۶۸: ج دو، ۵۵) به «حسن بل صحیح»؛ حدیث «حسن» و بلکه «صحیح» تعبیر کردند.

د) برخوردار از «سند معتبر» نیز گفته برخی از فقها مانند: محقق بحرانی (ج دو، ۱۰۰ و ج یازده، ۲۹۹)، نجفی (۱۳۶۵: ج ده، ۲۸۵، ۳۰۴ و ۳۱۳)، خوانساری (۱۴۰۵: ج یک، ۵۷۵) و روحانی (۱۴۱۲: ج شش، ۱۱۲) است. خبر معتبر، حدیثی است که به مضمون آن همگی یا اکثریت عمل می‌کنند و یا دلیلی بر اعتبارش است.

ه) فقیهان نام‌برداری مانند شیخ انصاری (۱۴۱۵: ج یک، ۴۱۷، ۳۸۰؛ ج دو، ۸۶، ۱۷۱؛ همو، ۱۴۱۴: ۴۹؛ همو [بی‌تا] (ط، ق) ج یک، ۴۰؛ ج دو، ۳۲۲، ۵۹۱) و آقا رضا همدانی

([بی تا] ج دو (ق یک)، ۳۷۴) و... در برخی از موارد تعبیر به «حسن کالصحیح» می‌کنند و آن روایتی است که راویان آن در حد وثاقت یا از اصحاب اجماع هستند. (و) فقه‌شناسان نام‌برداری مانند: مرتضی انصاری (۱۴۱۳: ۲۳۴؛ همو [بی تا]: ط)، (ق ج دو، ۵۹۱)، نجفی (۱۳۶۵: ج چهارده، ۱۹۶)، آقا رضا همدانی ([بی تا]: ج (ق دو)، ۴۸۰)، سید محسن حکیم (۱۴۰۴: ج سه، ۳۵۴) و روح الله خمینی (۱۳۸۹: ج سه، ۱۳۳، ۱۲۵، ۱۲۰، ۶۷، همو، ۱۳۶۸: ج یک، ۲۴۶، ۲۴۵) گاهی تعبیر به «حسن» و «حسنة» ابن شاذان می‌کنند و آن خبری است که تمام سلسله سند امامی مذهب و ممدوح هستند گرچه تصریح بر وثاقت هر یک نباشد.

(ز) برخورداری از «سند قوی» گفته برخی از متخصصان مانند میرزای قمی (۱۴۲۰: ج پنج، ۳۹۸) است. و آن خبری است که تمامی افراد موجود در سند امامی مذهب هستند.

(ح) تعبیر به سند «جید» گفته برخی مانند سید روح الله خمینی است (۱۴۲۱: ج دو، ۶۲۱).

آیه الله «سید ابو القاسم خویی» با این که ابن شاذان را از صحابیان امام رضا (ع) می‌داند (۱۴۱۳: ج چهارده، ۳۱۸) و به روایت *العلل* بارها استدلال می‌کند (۱۴۱۰: ج یک، ۳۲۱ و ج سه، ۴۸۶؛ ج هفت، ۳۲۲، ۲۹۶؛ ج هشت، ۳۴۱؛ ج نه، ۱۴؛ ۱۴۱۰: ج دو، ۴۶، ۶۹، ۷۰، ۸۲، ۴۰۵؛ ج سه، ۱۷۸، ۳۱۴، ۳۹۹، ۴۱۶، ۴۵۳؛ ج چهار، ۳۱۵، ۳۸۱، ۳۱۷، ۴۲۵؛ ج پنج، ۸، ۱۱، ۱۴، ۸۵، ۱۰۹؛ ج هفت، ۳۲۲، ۳۲۳، ۳۳۱؛ ج یک، ۱۵، ۱۸، ۱۳۷۷؛ ج یک، ۳۸۵؛ ج چهار، ۵۱، ۱۳۷۷) با توجه به مبنای ویژه خویش، به خاطر وجود «علی بن محمد بن قتیبه» در سلسله آن حدیث که به نظر ایشان از طرف رجال شناسان توثیق خاصی ندارد، آن را ضعیف السند قلمداد می‌کند. (۱۴۱۰: ج سه، ۴۸۷؛ ۱۴۱۰: ج دو، ۴۰۰، ج سه، ۱۷۲، ۱۷۷، ۱۷۸، ۳۱۴، ۴۱۶؛ ج هفت، ۳۲۳؛ ۱۳۶۴: ج دو، ۱۸۹، ۱۹۹، ۲۵۴) با توجه به مبحث بعدی، این موضع ایشان نیز بی اعتبار است.

### وثاقت ابن قتیبه راوی *العلل* در منظر رجالیان

از آن جا که بهبودی «فضل بن شاذان» را متولد پس از شهادت امام رضا (ع) می‌داند بنابراین مسئولیت استناد روایات منقول از امام رضا (ع) توسط «فضل» را بر عهده «ابن

قتیه» گذاشت و وی را با واژگان «کاذب»، «مزور» و «ملفق» توصیف کرد. در منظر راقم این سطور، رویکرد و تحلیل ایشان نسبت به «ابن قتیبه» از روح علمی به دور و فاصله زیادی با حقیقت دارد. سنخ روایات «ابن قتیبه» از امام رضا(ع) گوناگون و متنوع است: الف) برخی اوقات روایاتی را با واسطه «فضل» از امام رضا(ع) نقل می‌کند و این نوع انحصاری در العلل و نامه امام به مامون که دست‌خوش نقد بهبودی شد، ندارد. وی احادیث دیگری را نیز در زمینه توحید، انبیا، امامان (ع)، احکام و ... از آن حضرت گزارش می‌کند (صدوق ۱۴۱۳: ج چهار، ح ۵۹۱۵؛ ۱۴۰۴: ج یک، ۱۰۹، ۱۸۷؛ ج دو، ۲۵، ۲۶؛ ۱۳۹۸: ۱۳۷، ۲۶۹، ۱۴۰۳: ۵۸ و...).

ب) ابن قتیبه روایات فراوانی را با واسطه استاد دیگرش «حمدان بن سلیمان نیشابوری» که از ثقات و معاصر «ابن شاذان» است، از امام رضا(ع) نقل می‌کند (صدوق، ۱۴۰۴: ج یک، ۱۱۹، ۱۲۴؛ همو ۱۳۹۷: ۲۴۲، ۴۱۶).

ج) در برخی موارد «ابن قتیبه» روایات امام کاظم (ع) را با واسطه فضل بن شاذان و یکی از دو استادش ابن ابی عمیر و یا صفوان بن یحیی، نقل می‌کند (صدوق ۱۳۹۸: ۷۶، ۳۵۶).

از قرن سوم، برهه حیات «ابن قتیبه» تاکنون بسیاری از رجال شناسان، محدثان و فقیهان، در توثیق و مدح وی همگام بودند:

• کشی (معاصر کلینی م ۳۲۹) متخصص و پیشگام رجال شناسی، با «ابن قتیبه» ارتباطی مستحکم داشت، و شاگرد وی بود، و حداقل دو بار وی را «توثیق» کرد. کشی در ما روی فی اسحاق بن اسماعیل النیسابوری و... می‌نویسد: «حکمی بعض الثقات بنیسا بور انه خرج لاسحاق بن اسماعیل من ابی محمد (ع) توفیع: یا اسحاق بن اسماعیل...؟! برخی از «ثقات» ساکن نیشابور نقل می‌کنند که از سوی امام عسکری(ع) نامه ای به اسحاق بن اسماعیل فرستاده شد (کشی ۱۴۰۴: ۱۰۸۸). بلا فاصله کشی در ما روی فی عبد الله بن حمدویة البیهقی و ابراهیم بن عبده النیسابوری می‌نویسد: «حکمی بعض الثقات، ان ابا محمد(ع) کتب الی ابراهیم بن عبده...»؛ برخی از «ثقات» نقل کنند که امام عسکری(ع) نامه‌ای به «ابراهیم بن عبده» فرستاده (همان: ۱۰۸۹). بی تردید مراد از «بعض الثقات» در گفتار وی در هر دو موضع «ابن قتیبه» است، زیرا صدوق توفیع امام عسکری (ع) به اسحاق بن اسماعیل نیشابوری را دقیقا از «ابن قتیبه» نقل کرد

(شوشتری ۱۴۱۷: ج هفت، ۵۷۱). همچنین تورق در رجال کشی ما را به این مطلب می‌رساند که در مواضع گوناگون به نقل از وی پرداخته و به وی اعتماد داشت. نقل اجلاء و متخصصان روایات و رجال، از کسی با صبغه کثرت، به نوعی والا مقامی و اعتبار وی را نشان می‌دهد.

• صدوق (م ۳۸۱) در مقدمه من لا یحضره الفقیه می‌نویسد: «هدف ثبت همه اخبار گرچه غیر معتبر نیست. در این کتاب به جمع اخباری پرداختم که حکم به صحت آنها می‌کنم و به نظرم حجت بین من و خدای من است. همه این روایات مستخرج از کتب مرجع، مشهور و قابل اعتماد است (صدوق ۱۴۱۳: ج یک، ۳). از سویی ایشان حداقل هفت روایت را با سند «ابن قتیبه» در کتاب خویش نقل می‌کند (همان: ج یک، ۹۱۴، ۹۱۹، ۹۲۶، ۱۴۸۱، ۱۳۱۸، ۱۵۱۰؛ ج چهار ح ۵۹۱۵). بنابراین «ابن قتیبه» که از روات آن کتاب است، توثیق عام صدوق را دارد و «صحیح الحدیث» معرفی می‌شود.

• نجاشی (م ۴۵۰) می‌نویسد: ابوالحسن علی بن محمد بن قتیبه نیشابوری که کشی در کتاب رجالش به او «اعتماد» کرد، جزو صحابیان «فضل بن شاذان» و روایت کننده کتب وی است. وی تالیفاتی از جمله مجالس الفضل مع اهل الخلاف و مسائل اهل البلدان دارد (نجاشی ۱۴۲۷: ش ۶۷۸). این که نجاشی بسنده نمود و او را «معمد» کشی معرفی کرد و خود به توثیق و تضعیف پرداخت، توثیق او را نشان می‌دهد زیرا پذیرفته نیست که ناشی از مجهول بودن وی باشد.

• شیخ طوسی (م ۴۶۰) در فصل من لم یرو عن واحد من الائمة (ع) می‌نویسد: علی بن محمد بن قتیبه اهل نیشابور از تلامید فضل بن شاذان و شخصیتی «فاضل» است (طوسی ۱۴۱۵: ش ۶۱۵۹). بحث منابع رجالی این است که آیا عنوان «فاضل» حاوی عدالت و وثاقت راوی است؟ برخی آن را مفید توثیق و تعدیل (میرداماد، ۱۴۲۲: ۶۰) و عده‌ای آن را از واژگان مدح‌آمیز می‌دانند که حداقل وی را در زمره نیکان قرار می‌دهد (شهید ثانی، ۱۴۰۸: ۲۰۵؛ صدر [بی تا]، ۳۹۹).

• علامه حلی (م ۷۲۶ه) وی را اولاً در بخش نخست رجالش که ویژه ثقات و ممدوحین است، به نگارش می‌آورد و او را فردی «فاضل» و «معمد» کشی معرفی

می‌کند (حلی ۱۴۲۲:ش ۵۲۷). ثانياً در کتاب رجالش دو روایتی را که ابن قتیبه از فضل بن شاذان در ارتباط با یونس بن عبدالرحمن ذکر می‌کند، «صحيح السنند» می‌داند (حلی ۱۴۲۲:ش ۱۱۰۳؛ ۱۴۱۲: ج سه ۴۴۸). ثالثاً در کتاب *مختلف الشیعه* و *تحریر الأحكام* روایاتی را که در طریق آن «ابن قتیبه» قرار می‌گیرد، «صحيح» می‌داند. وی پس از ذکر روایتی که «ابن قتیبه» در سند آن است، می‌نویسد: «فی طریق هذه الروایة عبد الواحد بن محمد بن عبدوس النیشابوری، ولا یحضرنی الان حاله، فان كان ثقة فالروایة صحیحة یتعین العمل بها؛ در طریق روایت ابن عبدوس قرار دارد که حال وی از جهت وثاقت برای من مشخص نیست. اگر وی ثقة است روایت صحیح و عمل به آن متعین است (حلی، ۱۴۱۲: ج سه، ص ۴۴۸؛ عاملی ۱۴۱۰: ج شش، ۸۷ و محمودی، ۱۴۲۰: ۱۵۶).

• ابن داوود (م ۷۴۰)، «ابن قتیبه» را در بخش اول کتابش که ویژه موثقین و ممدوحین است، می‌شمارد و بی‌کاستی سخن حلی را در رجالش که ترکیبی از گفتار نجاشی و طوسی است، درباره او نقل می‌کند (ابن داوود ۱۳۹۲: ش ۱۰۸۴).

• میرداماد (م ۱۰۴۱) سید والامقام، در موضعی می‌نویسد: احادیث علی بن محمد بن قتیبه نیشابوری که از شاگردان فضل بن شاذان است «صحيح» هستند، همان‌طور که حلی در *المختلف و المنتهی و شهید در الذکری و شرح الارشاد* بر این دیدگاه هستند (۱۴۰۴: ج یک، ۳۸؛ ش ۱۷، و در تالیفی دیگر می‌نویسد: در طریق کلینی، کشی، و غیر آن دو از بزرگان اصحاب و قدماء شیعه به فضل بن شاذان، دو فاضل ارجمند و رفیق «محمد بن اسماعیل» و «علی بن محمد قتیبه» هستند. جلالت آن دو بر کسانی که ماهر در فن رجال هستند، اعرف از تعریف و اجل از تبیین است. بنابراین طریق حدیث هر دو «صحيح» است نه این که «حسن» به شمار آیند (۱۴۲۲: ۱۲۱، ۱۲۴).

• شیخ موسی زنجانی (م قرن ۱۴) فقیه محقق می‌نویسد: من «ابن قتیبه» را همان‌طور که برخی دیگر نیز بر آنند، «ثقه» و جلیل‌القدر می‌دانم گرچه پاره ای مانند علامه مجلسی وی را ممدوح می‌دانند. موضع سید محمد عاملی مؤلف *مدارک الاحکام* در توقف پذیرش خبری از وی از آن‌جا که توثیق قوی از سوی ارباب فن در ارتباط با وی ذکر نشده و سخنان طوسی و نجاشی در مدح وی کافی نیست، ضعف و نااستواری دارد (زنجانی [بی تا] ج دو، ۴۳۶).

• علامه رجالی محمد تقی شوشتری (م ۱۴۱۴) در موضعی «ابن قتیبه» را شخصیتی «جلیل القدر» و در جای دیگر به نقل از کشی وی را در عداد «ثقات» می‌شمارد. (شوشتری ۱۴۱۷: ج یک، ۴۵۶؛ ج هفت، ۵۷۱).

### دستاویز قرار گرفتن رجال طوسی

شیخ طوسی همان‌طور که بهبودی به آن استناد می‌کند، «فضل بن شاذان» را تنها در عداد صحابیان امام هادی و عسکری (ع) می‌داند (طوسی ۱۴۱۵: ش ۵۷۴۲ و ۵۸۸۳) که ظاهر گفتار وی ونه نص و تصریحش، این است، «فضل» امام رضا(ع) را درک نکرد و در زمره صحابیان ایشان نیست. از سویی در رجال وی «فضل بن سنان نیشابوری» در زمره وکیلان امام رضا(ع). (همان: ش ۵۳۸۵). بنابراین به استناد گفتار طوسی در تمام تصنیفات رجالی و راوی شناسی، وی در زمره راویان امام رضا(ع) است (حلی ۱۴۲۲: ش ۷۶۸؛ ابن داوود ۱۳۹۲: ش ۱۱۹۸؛ مامقانی ۱۳۵۰: ج سه، ۸؛ جزایری ۱۴۱۸: ج چهار، ۱۸۶؛ استرآبادی، ۱۳۰۶: ۲۶۰؛ قهپایی ۱۳۶۴: ج پنج، ۲۱؛ اردبیلی ۱۴۰۳: ج دو، ۵ حائری، ۱۳۷۴: ۲۴۱؛ نمازی، ۱۴۱۴: ج شش، ۲۰۷؛ تجلیل ۱۳۶۳: ۹۵؛ خویی، ۱۴۱۳: ج چهارده، ۳۰۸).

نویسنده حدس قوی برآیند از تجزیه و تحلیل روایی و رجالی می‌زند که مراد از «فضل بن سنان نیشابوری» همان «فضل بن شاذان نیشابوری» است که در آن «شاذان» به «سنان» تبدیل شده است. کلمات مقلوب و تغییرات با صبغه تبدیل «شین» به «سین» و برعکس در کتب رجالی و روایی به ویژه در کتب پیشینیان و متون کهن بسیار رُخ داد. این رویکرد و دست‌آورد میمون را چند قرینه می‌تواند تقویت و تاکید کرد:

الف) شیخ صدوق یک قرن پیش از طوسی علل الاحکام و سایر روایات «فضل» را از امام رضا (ع) به چند طریق و سند نقل کرد و در کتب خویش از جمله من لا یحضره الفقیه نوشت که بی‌تردید آن تالیفات در اختیار شیخ طوسی بوده اما در عین حال او را با صرف نظر از عنوان «فضل بن سنان» در عداد صحابیان امام رضا(ع) نمی‌دانست، بنابراین مشخص می‌شود که، منظور از «فضل بن سنان» در رجال وی همان «فضل بن شاذان» است که دست‌خوش تصحیف شد.

ب) از کتاب فهرست و المشیخه اثر طوسی مشخص می‌شود که وی از چندین طریق، تمام روایات «فضل بن شاذان» از جمله *العلی* را دارد و این احتمال می‌رود که منظور او از «فضل بن سنان» که جزو صحابیان امام رضا(ع) می‌داند، همان «فضل بن شاذان» است.

ج) با توجه به این که «فضل بن سنان نیشابوری» وکیل امام رضا(ع) یاد شده، در سلسله اسناد هیچ روایتی نیست و از سویی بعید است وکیل معصوم(ع) در هیچ خبری نامش نباشد، این نظر تایید می‌شود که مراد از وی «فضل بن شاذان نیشابوری» است که در اسناد روایات فراوانی قرار دارد.

د) برخی از سرآمدان و رجال شناسان متاخر مانند موسی زنجانی و رجالی ژرف اندیش شوشتری این احتمال را مدلل و قرینه می‌دانند و از آن استقبال کردند. شوشتری می‌نویسد: «لم یعثر علی «الفضل بن سنان النیسابوری» فی خبر، فلعله محرف «الفضل بن شاذان النیسابوری»، فکان من اصحاب الرضا(ع) و لم یعده الشیخ - فی الرجال - فیهم؛ با توجه به این که از «فضل بن سنان نیشابوری» که وکیل امام رضا(ع) است، در هیچ کتب حدیثی یاد نشده، شاید آن تصحیف شده فضل بن شاذان است که از صحابیان امام رضا(ع) است، و در رجال طوسی مذکور نیست (شوشتری، ۱۴۱۷: ج هشت، ۴۰۴؛ زنجانی [بی تا]: ج دو، ۵۶۳).

از سویی یکی از محققان معاصر که از تحقیقات و جستارهای وی در سالیان پیش، شهید مرتضی مطهری در *خدمات متقابل اسلام و ایران* استفاده کرد، به نقل از طوسی «فضل بن شاذان نیشابوری» را از اصحاب امام رضا(ع) می‌داند و از سویی چون در کتاب رجال موجود و مطبوع از طوسی «فضل بن شاذان» در عداد صحابه آن امام نیست، بنابراین مشخص می‌شود که یا در نسخه ایشان در اساس فضل بن شاذان ثبت شده و یا ایشان «فضل بن سنان» را «فضل بن شاذان» قرائت و آن را صحیح می‌دانست (عطاردی ۱۳۶۷: ۳۴۱).

امام رضا(ع) هفده سال پیش از آن که به منطقه خراسان فراخوانده شوند، مسئولیت امامت را بر عهده داشتند و در آن برهه «فضل» می‌توانست به تلقی حدیث از آن حضرت پردازد و به وکالت منصوب شود. ملاقات و تلقی حدیث وی از امام رضا(ع) و نیابت از آن حضرت هم به خاطر نیاز مردم منطقه محتمل است پس از ورود آن

حضرت به «نیشابور» که به گفته برخی چهار روز در آن اقامت گزیدند (حاکم نیشابوری، ۱۳۷۵: ۲۰۸) و یا طی حدود دو سال حضور در خراسان، رقم خورد.

ه) با صرف نظر از این که می توان «فضل بن سنان» را در رجال طوسی همان «فضل بن شاذان» تلقی و قرائت کرد، بر این نکته اصرار می کنیم این که شیخ طوسی وی را از صحابیان امام هادی و عسکری (ع) می داند، حاوی نفی صحابیت وی در ارتباط با امام رضا و جواد (ع) نیست. روایات شیخ صدوق که دو طبقه از طوسی جلوتر و یک قرن پیش از وی می زیست، تصریح می کند که ابن شاذان از صحابیان امام رضا (ع) است، و از انعقاد مفهوم و ظرفیت و قابلیت استدلال به کلام وی جلوگیری می کند.

و) بر فرض اینکه «فضل بن سنان» در عبارت شیخ طوسی محرف «فضل بن شاذان» نیست، عدم صحابیت وی لازم نمی شود، از آن جا که گزارشات وی بر جستار واحصاء فراگیر، تام، جامعیت و مانعیت استوار نیست و فصل الخطاب تلقی نمی شوند:

۱) طوسی «داود بن کثیر رقی» را تنها از اصحاب امام صادق و کاظم (ع) می داند (طوسی ۱۴۱۵: ش ۲۵۴۷ و ۵۰۰۳). با این که وی در معتبرترین کتب از امام باقر (ع) نیز نقل می کند (ابن قولویه ۱۳۷۵: باب ۷۲، ح ۵).

۲) طوسی، صفوان بن یحیی را تنها از صحابیان امام کاظم، رضا و جواد (ع) می داند (همان، ش ۵۰۳۸، ۵۳۱۱، ۵۵۵۹) در عین حال وی از امام صادق (ع) نیز روایت می کرد (صدوق ۱۴۱۳: ج سه، ۲۹۳، ح ۴۰۵۲؛ طوسی ۱۳۶۵: ج دو، ۶۸، ح ۲۴۶).

۳) وی، جعفر بن عیسی بن عبید را تنها از صحابیان امام رضا (ع) می داند (همان: ش ۵۲۳۷) با این که وی از امام صادق و کاظم (ع) نیز نقل خبر می کرد. (خویی، ۱۴۱۳: ج پنج، ۵۷).

۴) وی شاذان بن خلیل را از صحابیان امام جواد (ع) می داند (همان: ش ۵۵۵۸) اما وی از امام کاظم (ع)، نیز روایت نقل می کرد (کلینی ۱۳۶۳: ج هشت، ح ۱۳۸؛ خویی، ۱۴۱۳: ج ده، ۹).

۵) طوسی در رجالش عبد الرحمن بن ابی نجران را تنها از صحابیان امام رضا و جواد (ع) می داند (ش ۵۳۲۳، ۵۵۶۷) اما وی راوی از امام کاظم (ع) نیز هست (صدوق ۱۴۱۳: ج یک، ۱۰۸).

۶) طوسی، نصر بن مزاحم را تنها از صحابیان امام باقر(ع) [م ۱۱۴] می‌داند (طوسی: ش ۱۶۳۳) که با توجه به قرائن زیر بی‌تردید او جزو صحابیان امام باقر(ع) نیست:

طوسی و نجاشی طریق خود را به کتب وی، محمد بن علی صیرفی مشهور به «ابوسمینه» ذکر می‌کنند (نجاشی ۱۴۲۷:ش ۱۱۴۸؛ طوسی ۱۴۲۰: ش ۷۷۳) که وی معاصر احمد بن محمد بن عیسی، متوفی ۲۸۰ است. با توجه طبقات و میانگین عمر محدثان، چگونه «ابوسمینه» راوی از صحابیان امام باقر(ع) است؟ در طریق طوسی به نصر بن مزاحم «حمید» که متوفی ۳۱۰ است، قرار می‌گیرد، و او تنها با واسطه «یونس بن علی عطار» کتب نصر بن مزاحم را نقل کرد (طوسی: همان) ایا متوفی سال ۳۱۰ می‌تواند با یک واسطه از صحابی امام باقر(ع) نقل کند؟ در طریق نجاشی به کتاب الجمل نصر بن مزاحم، احمد بن محمد بن سعید که متوفی سال ۳۳۳، است که تنها با واسطه یحیی بن زکریا بن شیبان کتاب وی را روایت کرد (نجاشی: همان). ایا متصور است متوفی در آن سال با یک واسطه از صحابی امام باقر(ع) نقل کند؟ و تقویت کننده خطای طوسی این است که «نصر بن مزاحم» سال ۲۱۲ و دوران ولایت امام جواد(ع) فوت کرد (ذهبی ۱۳۸۳: ج چهار، ۲۵۳) حتی منابع تاریخی حضور وی را در کوفه در زمان حرکت امام رضا(ع) به سوی ایران تأیید می‌کنند (راوندی ۱۴۰۹: ج یک، ۳۴۹). احتمالاً طوسی روایت «نصر بن مزاحم» را از «ابو جعفر» دیده و او را امام باقر(ع) پنداشته که با فرض وجود چنان روایتی و صحت آن، منظور، ابو جعفر دوم یعنی امام جواد(ع) است (خویی ۱۴۱۳: ج بیست، ۱۵۹).

ز) صحابی امام رضا و جواد (ع) بودن «شاذان» (طوسی: ۱۴۱۵: ش ۵۵۵۸؛ نجاشی، ۱۴۲۷: ش ۸۴۰) «فضل» را نفی می‌کند. ما به موارد بسیاری برمی‌خوریم که پدر و فرزند هر دو مشایخ واحدی داشتند. برای نمونه به دو نفر از معاصران «فضل» اشاره می‌کنیم:

۱) یونس بن عبدالرحمن از صحابیان امام کاظم، رضا و جواد (ع) است و فرزندش محمد بن یونس بن عبدالرحمن نیز، به اجماع و اتفاق رجالیان، جزو صحابیان امام رضا و جواد (ع) بود، گرچه بسیاری وی را از اصحاب امام کاظم نیز برشمرده‌اند (طوسی همان: ش ۵۱۱۶، ۵۱۶۷، ۵۴۳۵، ۵۶۰۱، ۵۴۷۸؛ نجاشی همان: ش ۸۸۷).

۲) حسین بن سعید بن حماد اهوازی که ثقة، عین و جلیل القدر است، از صحابه و راویان امام رضا، جواد و هادی(ع) است. فرزندش ابو جعفر احمد بن حسین بن سعید، ملقب به «دندان» نیز به گفته نجاشی و ابن غضائری از تمام مشایخ پدرش به جز «حماد بن عیسی» نقل می‌کرد (نجاشی ۱۴۲۷: ش ۱۸۳؛ غضائری، ۱۴۲۲: ش ۱۲).

### کند و کاو در گزارش رجال کشی و نجاشی

به نظر نویسندۀ معرفۀ الحدیث، «فضل» اوآخر عمر «حسن بن علی بن فضال» (م ۲۲۱- ۲۲۴) و سایر مشایخ خویش را درک کرد، زیرا نوشته شده به سن بلوغ نرسیده بود که در «قطیعة الربیع» بغداد نزد یکی از مقریان به نام «اسماعیل بن عباد» قرآن را آموخت در حالی که ابن فضال در آن برهه کهن‌سالی خویش را سپری می‌کرد. وی می‌گوید کلام زیر که به وسیله کشی و نجاشی از «ابن شاذان» نقل شده، این نتیجه را تایید می‌کند<sup>۱</sup>:

الف) در هیچ یک از منابع تاریخی، رجالی و حدیثی اشاره‌ای به «مقری» اصطلاحی بودن اسماعیل بن عباد بصری نیست و رجالیان تنها بر راوی بودن وی تاکید دارند. گرچه برقی (۱۳۸۳: ۵۴) و طوسی (۱۴۱۵: ش ۵۲۰۷) وی را تنها در عداد صحابیان امام

۱. «قال الفضل بن شاذان: كنت في قطيعة الربيع في مسجد الربيع، اقرا علي مقرئ يقال له «اسماعيل بن عباد»، فرأيت قوما يتناجون فقال احدهم: بالجبل رجل يقال له «ابن فضال» اعبد من رأينا او سمعنا به، قال: فانه ليخرج الى الصحراء فيسجد السجدة... قال ابو محمد الفضل بن شاذان: فظننت ان هذا رجل، كان في الزمان الاول فيينا انا بعد ذلك بسنين (بيسير) قاعد في قطيعة الربيع مع ابي - رحمه الله - اذ جاء شيخ حلو الوجه حسن السمائل... فسلم علي ابي فقام اليه ابي فرحب به وبجله، فلما ان مضى يريد «ابن ابي عمير» قلت: من هذا الشيخ فقال: هذا الحسن بن علي بن فضال، قلت: هذا ذلك العابد الفاضل، قال: هو ذاك، قلت: ليس هو ذاك، ذاك بالجبل، قال: هو ذاك. كان يكون بالجبل، قال: ما اقل (اغفل) عقلك من غلام فاخبرته بما سمعت من القوم فيه، قال: هو ذاك. فكان بعد ذلك يختلف الي ابي، ثم خرجت اليه بعد الي الكوفة فسمعت منه كتاب ابن بكير وغيره من الاحاديث، وكان يحمل كتابه ويحیی الي حجرتي (الحجرة) قيقراه علي. فلما حج ختن طاهر بن الحسين وعظمه الناس لقدرة وماله ومكانه من السلطان، وقد كان وصف له، فلم يصر اليه «الحسن»، فارسل اليه احب ان تصير الي فانه لا يمكنني المصير اليك فابي، وكلمه اصحابنا في ذلك، فقال: مالي ولطاهر (وال طاهر) لا اقربهم، ليس بيني وبينهم عمل، فعلمت بعد هذا (بعدها) ان مجيئه الي بيتي كان لدينه (لم يكن الا لجودة النية)» (كشي ۱۴۰۴: ش ۹۹۳؛ نجاشی ۱۴۲۷: ش ۷۲)

رضا(ع) می‌دانند، وی از امام صادق(ع)، عبدالله بن بکیر و داود بن کثیر رقی نیز روایت نقل می‌کرد و محدثانی مانند حسین بن سعید اهوازی، عبدالله بن مغیره، بکر بن صالح رازی، راویان از وی هستند. (کلینی ۱۳۶۳: ج یک، ۳۱۲؛ ج دو، ۵۶؛ ج هشت، ۲۹۰؛ طوسی، ۱۳۶۴: ج دو، ۴۵؛ ۱۳۹۰: ج یک، ۲۹۵؛ ابن قولویه، ۱۳۷۵: باب ۶۳، ح دو).

ب) به جمله کنت اقرء علی مقرر یقال له اسماعیل بن عباد که گفته «فضل» است، نمی‌توان استدلال کرد که وی در کهن‌سالی ابن فضال، هنوز نوجوانی در مرحله آموزش قرآن از «اسماعیل بن عباد» بود. کلمه قرائت قابلیت و ظرفیتی دارد که در صحت مفاد آن، تفاوتی بین اموختن قرآن، حدیث یا هر متن دیگری نیست. در پایان همین متن قرینه ای است که آن برداشت را صددرصد نفی می‌کند. «فضل» در ادامه می‌گوید: «ثم خرجت الیه بعد الی الکوفه، فسمعت منه کتاب ابن بکیر و غیره من الاحادیث، و کان یحمل کتابه ویجئ الی الحجره (حجرتی) فیقرأه علی.» و ابن فضال کتب حدیثی - اعم از کتب ابن بکیر و دیگران را - به حجره من می‌آورد و بر من می‌خواند. وی که راوی متن مذکور است، واژه «قرائت» را در ارتباط با تحمل حدیث و نه قرآن به کار می‌برد.

ب) دریافت حدیث نه اسلوب متفاوت دارد که قرائت (عرض) یک قسم آن است. یعنی شاگرد به خواندن خبر از کتاب و یا حفظ می‌پردازد و استاد تصحیح کننده کاستی‌های اوست. به خلاف شیوه «سماع» که شیخ از کتاب و یا از حفظ، املاء و انشاء و شاگرد استماع و یادداشت می‌کند. (شانه چی ۱۳۷۹: ۱۳۳؛ داوری ۱۴۱۶: ۲۲۴). شاید جمله «کنت اقرء علی مقرر یقال له اسماعیل بن عباد» اشاره‌ای به این روش تعلم حدیث است.

ج) گزارش فوق الذکر «فضل» حاوی و حاکی از یک رخداد متصل به هم نیست. عبارت به آن معنا نیست که تحصیل ابن شاذان نزد «اسماعیل بن عباد» و فراگیری وی از بزرگانی چون ابن فضال در یک زمان به هم پیوسته و بسی گسست بود، تا نتیجه گیری شود که «فضل» در دوران نوجوانی، ابن فضال کهن‌سال را درک می‌کرد. زیرا عبارت کشی «فینا انابعد ذلک بسنین»، فاصله زمانی چندین ساله را بین آن دو رخداد تبیین می‌کند. ترجمه عبارت این است: من خیال می‌کردم این شخص که در ارتباط با زهد و پرهیزگاری او سخن می‌گویند (ابن فضال) در گذشته زندگی می‌کرده که من بعد

از سال ها بار دیگر گذرم به همان مسجد در قطیعه الربیع افتاد و با پدرم در آن جا نشسته بودیم که ابن فضال آمد. اما نجاشی «فینا انابعد ذلک بیسیر» ثبت کرده که معنا در اساس متفاوت است. (کشی، ۱۴۰۴: ش ۹۹۳؛ نجاشی ۱۴۲۷: ش ۷۲).

د) با تکیه بر جمله «اذ جاء شیخ حلوالوجه» نمی توان نتیجه گرفت «فضل» نوجوان، دوران سال خوردگی ابن فضال را درک می کرد. یکی از معانی واژه شیخ، پیر و سال خورده است، اما برای آن واژه معانی دیگری چون «ذوالمکانه من علم او فضل او ریاسه» ذکر می کنند (ابراهیم مصطفی و دیگران، ۱۴۲۶: ۵۰۲). تامل در تعبیر علامه حلی در ارتباط با «ابن شاذان» به «هذا الشیخ اجل من أن نه آل یغمز علیه» (حلی ۱۴۲۲: ش ۷۶۹) و تعبیر پیروان مکتب اهل بیت (ع) در ارتباط با محمد بن حسن طوسی به «شیخ الطائفه» ما را به فهم آن عبارت نزدیک می کند. بین معنای سال خوردگی و معانی دیگر شیخ به اصطلاح اهل منطق رابطه عموم و خصوص من وجه هست. تعبیرات «شیخ بلد»، «شیخ قبیله»، «شیخ کنیسه»، «شیوخ»، «مشایخ»، «مشیخه» و... به ضرور به معنای کهنسال نیستند.

ه) به فرض که واژه شیخ به معنای سال خورده است، اما حاوی آن دست آورد را ندارد. تاریخ درگذشت ابن فضال فی الجمله (نجاشی، ۱۴۲۷: ش ۱۸۰) معلوم اما هنگامه تولد و مدت عمر وی مشخص نیست، شاید این برخورد قبل از شهادت امام رضا (ع) و یا یکی دو سال پس از آن اتفاق افتاده که در آن برهه ابن فضال نسبت به ابن شاذان کهن سال بود.

و) باتوجه به گفته شاذان به فضل که در پی انکار وی گفت: «ما اغفل [اقل] عقلک من غلام» نمی توان به طور جزم معتقد شد که واژه «غلام» متضمن عدم بلوغ وی است. اولاً واژه غلام، به گفته لغت شناسان «یطلق علی الرجل مجازاً؛ توسعا و مجازاً، اشاره به مذکر بودن مخاطب دارد. (ابراهیم مصطفی و دیگران، ۱۴۲۶: ۶۶۰). همچنین متون و منابع لغت شناسی در زیر واژه های «غلم»، «غلام»، «غُلوم»، «غُلُمیه»، و «غُلْمَه» ویژگی هایی همچون «اشتداد، هیجان و غلبه شهوت» را می شمارند که به نحوی متناسب با برهه جوانی است. خلیل بن احمد فراهیدی (م ۱۷۰) اولین لغت نگار عرب می نویسد: «الغیلیم الشاب العریض المفرق الکثیر الشعر؛ غلیم جوانی پهنا پیکر است که موی فراوان خویش را شانه زن و فرق باز می کند (فراهیدی ۱۴۱۰: ج چهار، ۴۲۳). ابن منظور نیز

می‌نویسد: «یقال فلان غلام الناس و إن كان كهلاً، كقولك فلان فتى العسكر و إن كان شيخاً... والعرب يقولون للكهل: غلام نجيب، و هو فاش فى كلاهما؛ تعبيرات «غلام الناس» و «غلام نجيب» بارها به معنای میان‌سال و کسی که بین سی و پنجاه سالگی است، به کار می‌رود (ابن منظور ۱۴۰۵: ج دوازده، ۴۴۰)، همچنین کاربرد تعبیراتی از این سنخ از سوی پدر نسبت به پسر و بی‌تجربه خواندن که شاید چند دهه از سن وی گذشته باشد- به خصوص هنگام بروز اختلاف در موضع و سنش، بسیار رایج مرسوم و علی‌الاصول حاوی کودکی و یا نوجوانی نیست. و بالاخره این‌که جزء مسلمات تاریخی است که امام حسین(ع) درباره فرزندش علی بن الحسین(ع) در روز عاشورا با گفتن «اللهم اشهد فقد برز اليهم غلام اشبه الناس خلقاً و خلقاً و منطقاً برسولك»، تعبیر به غلام می‌کند و پسر نیز پس از معرفی خویش، با گفتن جمله حماسی «اضربكم بالسيف حتى يثني - ضرب غلام هاشمي علوي» از خود به غلام تعبیر می‌کند. با این‌که وی از امام سجاد(ع) که با فرزندش امام باقر(ع) در روز عاشورا حضور داشت، سن بیشتری داشت و حداقل هجده ساله بود، حتی برخی او را ۲۵ ساله نیز می‌دانند (ابن طاووس ۱۴۱۷: ۶۷).

ز) در همین متنی که دستاویز استشهاد است، در این‌که «فضل» پس از شهادت امام رضا(ع) متولد شد، قرینه‌ای هست که آن رویکرد را خدشه‌دار می‌کند. در بخش پایانی آن «ابن شاذان» می‌گوید: «من در کوفه بودم که داماد «طاهر بن حسین» پس از حج به کوفه آمد، و از آن‌جا که فضائل و کمالات ابن فضال را شنیده بود، نماینده‌ای پیش وی فرستاد و خواهان دیدار شد، وی علی‌رغم تشویق دیگران ملاقات را نپذیرفت و گفت: «ما لی لطاهر و ال طاهر»، من با طاهر و خاندان طاهر کاری ندارم». به احتمال قوی با توجه به جمله «ما لی لطاهر»، تقاضای دیدار از طرف داماد طاهر در زمان حیات آن سردار رخ داد و گر نه سخن از وی بی‌مورد است. طاهر طبق دلایلی در سال ۲۰۵ از بغداد به منطقه مرو اعزام شد و در سال ۲۰۷ به مرگ طبیعی و یا بنا بر یک نظریه تأیید نشده با دسیسه مامون از پای در آمد (اکبری ۱۳۸۴: ۱۵۹). ابن شاذان متولد پس از سال ۲۰۳ چگونه شاهد جریان فوق‌الذکر بود؟ آیا وی در آن برهه در موقعیت علمی و اجتماعی قرار نداشت؟

ح) از جمله « فعلمت بعد هذا ( بعدها ) أن مجیئه الی بیته کان لدینه» که از سوی ابن شاذان گزارش شد، استظهار می شود که عدم پذیرش داماد طاهر، سالیانی پس از تلقی و دریافت حدیث وی از « ابن فضال» رخ داد. از آنجا که «فضل» می گوید، کمال فروتنی ابن فضال در این نکته بود که وی به سکونت گاه من برای آموختن روایات می آمد، اما پس از آن از پذیرش داماد طاهر که قدرت، جلال و مال داشت، خودداری کرد.

### نتیجه گیری

به نظر نویسنده با لحاظ کردن امور نه گانه ای که به ایجاز گذشت، تولد «فضل» را به تاریخ پس از حیات امام رضا(ع) خواندن و بر آن اساس بی اعتبار کردن روایات وی از آن حضرت و حتی صدها خبرش را از سایر مشایخش، نوعی کج یابی و شاید کج تابی، است.

### منابع و مأخذ

- آقابزرگ تهرانی، محمد محسن، ( ۱۴۰۸)، *الذریعة الی تصانیف الشیعة*، تهران، کتابخانه اسلامیة.
- \_\_\_\_\_ ( ۱۳۳۷)، *مصنفی المقال فی مصنفی علم الرجال*، تهران، نشر عترت، چاپخانه دولتی ایران.
- آل عصفور، حسین (۱۴۱۰ق)، *تمة الحدائق الناظرة*، قم، موسسه النشر الاسلامی.
- ابن ابی حاتم رازی، عبدالرحمن، (۱۳۷۱)، *الجرح و التعذیل*، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی.
- ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی (۱۴۱۵)، *تقریب التهذیب*، بیروت، دار الکتب العلمیة.
- \_\_\_\_\_ (۱۴۱۲)، *تهذیب التهذیب*، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی.
- ابن داوود حلی، حسن بن علی، (۱۳۹۲)، *کتاب الرجال*، النجف، منشورات المطبعة الحیدریة.
- ابن طاووس (۱۴۱۷)؛ *اللہوف فی قتلی الطفوف*، قم: انوار الہدی.
- ابن قولویه قمی، جعفر بن محمد، (۱۳۷۵)، *کامل الزیارات*، تهران، مکتبة الصدوق.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۰۵)، *لسان العرب*، قم، نشر الادب الحوزة.
- اردبیلی، محمد بن علی (۱۴۰۳)، *جامع الرواة وازاحة الاشتباهات*، بیروت، دارالاضواء.
- استرآبادی، میرزا محمد بن علی بن ابراهیم (۱۳۰۶)، *منہج المقال*، تهران، چاپ سنگی.

- اكبرى، امير ( ١٣٨٤ )، تاريخ حكومت طاهريان از اغاز تا انجام، مشهد، بنياد پژوهش هاى اسلامى.
- انصارى، مرتضى، ( ١٤١٤ )، رسائل الفقيهية، قم، المؤتمر العالمى بمناسبة الذكرى المئوية الثانية لميلاد الشيخ الأنصارى.
- \_\_\_\_\_ ( ١٤١٥ق )، الصلاة، قم، المؤتمر العالمى بمناسبة الذكرى المئوية الثانية لميلاد الشيخ الأنصارى.
- \_\_\_\_\_ ( ١٤١٣ )، الصوم، قم، المؤتمر العالمى بمناسبة الذكرى المئوية الثانية لميلاد الشيخ الأنصارى.
- \_\_\_\_\_ (بى تا)، الطهارة، قم، مؤسسه آل البيت (ع) للطباعة والنشر، چاپ سنگى.
- \_\_\_\_\_ ( ١٤١٧ )، المكاسب، قم، المؤتمر العالمى بمناسبة الذكرى المئوية الثانية لميلاد الشيخ الأنصارى.
- بحراني، يوسف، ( ١٣٧٦ )، الحدائق الناضرة، نجف اشرف، منشورات المطبعة النجف.
- برقى، احمد بن محمد بن خالد برقى ( ١٣٨٣ )، رجال البرقى، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- بهبودى، محمد باقر، ( ١٣٦٢ )، معرفة الحديث، تهران، انتشارات علمى و فرهنگى.
- تجليل، ابوطالب، ( ١٣٦٣ )، معجم الثقات و ترتيب الطبقات، قم، مؤسسة النشر الاسلامى.
- جزايرى، عبدالنبي، ( ١٤١٨ )، حاوى الاقوال فى معرفة الرجال، قم، مؤسسة ال البيت لاحياء التراث.
- حائرى، ابوعلی ( ١٣٧٤ )، منتهى المقال فى احوال الرجال، قم، مؤسسة ال البيت لاحياء التراث.
- حاكم نيشابورى، ابو عبدالله ( ١٣٧٥ )، تاريخ نيشابور، تصحيح محمد رضا شفيعى كدكنى، تهران، دفتر نشر اگه.
- حسينى استرآبادى، سيد شرف الدين ( ١٤٠٩ )، تأويل الآيات الظاهرة، قم، انتشارات جامعه مدرسين.
- حسينى صدر، سيد على ( ١٤٢٠ق )، الفوائد الرجالية، قم، انتشارات دارالغدیر.
- حكيم، سيد محسن ( ١٤٠٤ )، مستمسك العروة الوثقى، قم، كتابخانه آيت الله مرعشى نجفى.
- حلى، حسن بن يوسف ( ١٤٢٢ )، خلاصة الاقوال فى معرفة الرجال، قم، مؤسسة نشر الفقاهة.
- \_\_\_\_\_ ( ١٤١٢ )، مختلف الشيعة، قم، مؤسسة النشر الاسلامى.
- خطيب بغدادى، احمد بن على ( ١٤١٧ )، تاريخ بغداد، بيروت، دارالكتب العلمية.

- خمینی، سید روح الله (۱۴۲۱)، البیع، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۹) کتاب الطهارة النجف الاشرف، مطبعة الاداب.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۶۸)، مکاسب المحرمه، قم، انتشارات اسماعیلیان.
- خوانساری، سید احمد (۱۴۰۵)، جامع المدارک، تحقیق علی اکبر غفاری، تهران، کتابخانه صدوق.
- خوئی، سید ابوالقاسم (۱۳۶۴)، الحج، قم، انتشارات لطفی.
- \_\_\_\_\_ (۱۴۱۰)، الصلاة، قم، دار الهادی للمطبوعات .
- \_\_\_\_\_ (۱۳۷۷)، مصباح الفقاهة، قم، انتشارات داوری.
- \_\_\_\_\_ (۱۴۱۳)، معجم رجال الحديث و تفصیل طبقات الرواة، بی جا.
- داوری، مسلم (۱۴۱۶)، اصول علم الرجال بین النظرية و التطبيق، قم، ناشر المؤلف.
- ذهبی دمشقی، محمد بن احمد (۱۴۱۳)، سیر اعلام النبلاء، بیروت، موسسه الرسالة.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۳)، میزان الاعتدال، تحقیق علی محمد البجاوی، بیروت، دار الطباعة والنشر.
- راوندی، قطب الدین (۱۴۰۹) الخرائج والجرائح، قم، موسسه الامام المهدي (ع).
- روحانی، سید محمد صادق، (۱۴۱۲ق)، فقه الصادق، قم، موسسه دارالکتاب.
- زنجانی، موسی (بی تا)، الجامع فی الرجال، قم، نسخه خطی، چاپخانه پیروز.
- شهید ثانی (۱۴۰۸)، الرعاية فی علم الدراية، تحقیق محمد علی بقال، قم، کتابخانه ایت الله مرعشی.
- شوشتري، محمد تقی (۱۴۱۷)، قاموس الرجال، قم، مؤسسه النشر الإسلامی.
- صدوق، محمد بن علی ( ۱۳۹۸)، التوحيد، قم، منشورات جامعه المدرسين.
- \_\_\_\_\_ (۱۴۰۳)، الخصال، قم، منشورات جامعه المدرسين .
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۵)، علل الشرايع، النجف الاشرف، منشورات المطبعة الحيدرية.
- \_\_\_\_\_ (۱۴۰۴)، عيون اخبار الرضا (ع)، بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات.
- \_\_\_\_\_ (۱۴۱۳)، من لا يحضره الفقيه، تصحيح علی اکبر غفاری، قم، مؤسسه النشر الإسلامی.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۳۹۰)، الإستبصار فی ما اختلف من الأخبار، تهران، دار الکتب الإسلامیة.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۶۴)، تهذيب الاحکام، تحقیق سید حسن موسوی، تهران، دار الکتب الإسلامیة.
- \_\_\_\_\_ (۱۴۱۵)، رجال الطوسی، قم، انتشارات اسلامی جامعه مدرسين.
- \_\_\_\_\_ (۱۴۱۱)، النبیة، تصحيح عبادالله تهرانی، قم، مؤسسه المعارف الإسلامیة.
- \_\_\_\_\_ (۱۴۲۰)، فهرست کتب الشيعة و أصولهم، قم، مکتبه المحقق الطباطبایي.

- عاملی، سید محمد (۱۴۱۰)، مدارک الأحکام، قم، مؤسسه آل البيت.
- عرفانیان یزدی، غلامرضا (۱۳۷۷)، مشایخ الثقات، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
- عطاردی، عزیزالله (۱۳۶۷)، راولیان امام رضا (ع) در مسند الرضا (ع)، مشهد، کنگره جهانی امام رضا (ع).
- غضائری، احمد بن الحسین (۱۴۲۲) الرجال لابن الغضائری، قم، دارالحديث.
- فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰)، کتاب العین، تحقیق: مهدی المخزومی، قم، مؤسسه دارالهجرة.
- فضل بن شاذان نیشابوری (۱۴۰۹)، مختصر إثبات الرجعة، مجله تراثنا، شماره پانزده، قم، مؤسسه آل البيت.
- قهپایی، عنایت الله (۱۳۶۴)، مجمع الرجال، قم، مؤسسه اسماعیلیان.
- کشی، محمد بن عمر (۱۴۰۴)، إختيار معرفة الرجال، تحقیق مهدی رجایی، قم، مؤسسه آل البيت.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۳)، الکافی، تصحیح علی اکبر غفاری، تهران، دار الکتب الاسلامیة.
- مامقانی، عبدالله (۱۳۵۰)، تنقیح المقال، النجف الاشرف، منشورات المكتبة المرتضوية، چاپ سنگی.
- محمد باقر (۱۴۰۳)، بحار الانوار، تحقیق محمد باقر بهبودی، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- محمودی، عباس (۱۴۲۰)، ملخص المقال فی أسماء الموثقین و المعتمدين من الرجال، قم، بی جا.
- مدیر شانه چی، کاظم، (۱۳۷۹)، درایة الحديث، قم، انتشارات اسلامی.
- مصطفی، ابراهیم و دیگران (۱۴۲۶)، المعجم الوسیط، تهران، مؤسسه الصادق للطباعة والنشر.
- مفید، محمد بن محمد بن نعمان (بی تا)، الإختصاص، قم، انتشارات جامعه مدرسین.
- میرداماد، محمد باقر (۱۴۰۴)، التعلیقة علی اختیار معرفة الرجال، تحقیق رجایی، قم، مؤسسه آل البيت.
- \_\_\_\_\_ (۱۴۲۲)، الرواشح السماویة، تحقیق غلامحسین قیصریه ها، قم، دارالحديث.
- میرزای قمی، ابوالقاسم (۱۴۲۰)، غنائم الايام، مشهد، دفتر تبلیغات اسلامی خراسان.
- نجاشی، احمد بن علی (۱۴۲۷)، رجال النجاشی، تحقیق، شبیری زنجانی، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
- نجفی، محمد حسن (۱۳۶۵)، جواهر الکلام، تحقیق عباس قوچانی، تهران، دارالکتب الاسلامیة.
- نمازی شاهرودی، علی (۱۴۱۴)، مستدرکات علم رجال الحديث، قم، نشر الادب.
- همدانی، آقا رضا (بی تا)، مصباح الفقیه، تهران، انتشارات مکتبه النجاح، چاپ سنگی.